

بررسی تجلیات اندیشه جهان‌وطنی در سینما: مطالعه موردی فیلم‌های لوه‌اور و کد مجهول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۲

محمد شهباء^۱، فاطمه اسکندری^۲

چکیده

مقاله حاضر با مروری بر مفهوم جهان‌وطنی، به ارتباط و تحلیل رابطه آن با مفاهیم دیگری چون شهروند جهانی، صلح پایدار و رواداری، مهاجرت، خشونت و بخشایش که زمینه‌ساز ایجاد مفهوم جهان‌وطنی هستند می‌پردازد. اندیشه جهان‌وطنی به این مفهوم است که همه کشورهای دنیا یک کشور و همه ساکنین این کشورها در واقع یک ملت بوده و هموطن هستند. مقاله حاضر جهت تحلیل این موضوع پس از بررسی مفاهیم و تاریخچه این اندیشه، ابتدا از دریچه صلح ابدی و مقاله «تاریخ جهان‌شمول در غایت جهان‌وطنی» کانت با مقوله جنگ و صلح از دید کانت آشنا شده و به بررسی آرمان جهان‌وطنی و مفهوم شهروند جهانی می‌پردازد. در ادامه بر اساس آراء آرجون آپادورای، جریان‌های جهانی بررسی شده است. سپس با نگاهی به کتاب جهان‌وطنی و بخشایش ژاک دریدا، با ستم و نسل‌کشی ملت‌ها در طول تاریخ که قربانی سیاست‌ورزی ابرقدرت‌ها شدند، مفاهیم صلح، ارزشمندی حرمت انسانی و بخشایش مطرح شده‌اند. آنگاه برای روشن‌تر شدن این رویکرد، فیلم‌های لوه‌اور و کد مجهول از آثار مهمی که حاوی جنبه‌های جدی درک مفهوم جهان‌وطنی است، تحلیل شده‌اند. کلیدواژگان: جهان‌وطنی، جهانی شدن، شهروند جهانی، صلح، رواداری، لوه‌اور، کد مجهول

۱. استاد دانشکده سینما و تئاتر، دانشگاه هنر، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: shahba@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد سینما، پردیس بین‌المللی فارابی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
Email: fatemeh.eskandari2@gmail.com

مقدمه

جهان جدید مسائل دشواری را در پیش روی انسان معاصر قرار داده است. فجایعی که در صد سال گذشته اتفاق افتاده، سرنوشت همه ساکنین زمین را به نوعی به هم مربوط ساخته، همچنین بشر در حال عبور از "زندگی درجهان‌های گوناگون"، به مرحله جدید "زندگی در جهانی واحد" است. جهانی که در آن مرزهای مصنوعی از قبیل کشور، ملیت و نژاد اهمیت و کارایی‌اش را به تدریج از دست خواهد داد.

این مقاله با نگاهی به تحولات گسترده تاریخی، به بررسی مهم‌ترین عناصر در شکل‌گیری جهانی شدن که بستر پیدایش اندیشه جهان‌وطنی را فراهم کرده است پرداخته و در ادامه تأثیرات آن را در دو فیلم از سینمای داستانی به نام‌های *لوهاور* اثر آکی کوریسماسکی و *کد مجهول* ساخته میشل هانکه را بررسی می‌کند. این اصطلاح، مفهوم مهمی در حوزه مطالعات میان رشته‌ایست و وارد حوزه‌های گسترده دیگری چون جامعه‌شناسی، گرایش‌های سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی شده که در پیوند نزدیک با مباحث دیگری چون مهاجرت، پناهندگی، تبعید، هویت، قومیت و نژاد، چند فرهنگی، صلح و بخشایش قرار دارد. بدین منظور از آراء و نظرات تعدادی از اندیشمندان و فلاسفه که در تلاش برای درک جهان‌وطنی و گسترش صلح تلاش کرده‌اند که در راس آنان امانوئل کانت قرار دارد به عنوان چهار چوب نظری استفاده شده است. همچنین در بحث‌های مختلف جهانی شدن به دیدگاه نظریه پردازان این حوزه که مرتبط با موضوع هستند ارجاع داده شده است. در این مقاله پس از بررسی مبانی فکری و نظری جهان‌وطنی، به تحلیل و بررسی میزان تأثیر و کارکرد این اندیشه در فیلم‌های منتخب پرداخته و این مفهوم را مورد بررسی قرار داده است.

اهداف کلی این مقاله را می‌توان به شرح زیر دسته بندی کرد:

۱. بررسی ابعاد گوناگون جهانی شدن و اندیشه جهان‌وطنی و تأثیر آن در فیلم‌های منتخب؛

۲. بررسی میزان تأثیر ارتباط مفاهیمی چون هویت، مهاجرت، پناهندگی، خشونت، بخشندگی، صلح و رواداری با اندیشه جهان‌وطنی و چگونگی تأثیر آن بر فیلم‌ها؛

با توجه به اهداف بالا دو پرسش اصلی این مقاله عبارتند از:

۱. اندیشه جهان‌وطنی چه تأثیراتی بر روی فیلم‌های *لوهاور*

و *کد مجهول* گذاشته است؟

۲. میزان تأثیر ارتباط مفاهیمی چون هویت، مهاجرت، پناهندگی، خشونت، بخشندگی، صلح و رواداری با اندیشه جهان‌وطنی و تأثیر آن بر فیلم‌ها چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-موردی است. در این پژوهش از منابع مکتوب فارسی و لاتین مرتبط با جهانی شدن و اندیشه جهان‌وطنی استفاده شده و سپس با مشاهده فیلم‌های *لوهاور* اثر آکی کوریسماسکی و *کد مجهول* ساخته میشل هانکه، تحلیلی از چگونگی تأثیرگذاری و بسط مفاهیم کلیدی این اندیشه در این فیلم‌ها صورت گرفته است.

واژه‌شناسی

واژه کاسموپولیتیسیم، به لحاظ لغوی از دو واژه یونانی *COS-* *mo* به معنی دنیا و *politias* به معنی شهروندی ساخته شده است. این واژه را جهان‌وطنی^۳ یا جهان میهنی ترجمه کرده‌اند و مفهومش این است که همه کشورهای دنیا یک کشور و همه ساکنین این کشورها در واقع یک ملت بوده و هموطن هستند.

دولت - ملت و مفهوم شهروندی

شهروندی^۴ به بیان ساده یعنی نوع رابطه میان افراد و دولت‌ها. این رابطه بر وظایف متقابل استوار است. جان لاک^۵ در رساله دوم در باب حکومت مدنی، که در سال ۱۶۹۰ منتشر شد، تعبیر «به اندازه کافی و به همان کیفیت» را برای توجیه مالکیت خصوصی به کار برده است. جان لاک در این کتاب می‌گوید: «زمین و هر چه در آن است به انسان‌ها واگذار شده است تا از آن برای تداوم و آسایش زندگی خود استفاده کنند.» زمین و آنچه در آن است «متعلق به همه بشریت است.» می‌توان به آسانی نتیجه گرفت که وضعیت فعلی توزیع ثروت در جهان نتیجه استفاده نامشروع عده کمی از جمعیت جهان از منابعی است که که ملک مشاع همه بشریت است. (سینگر، ۱۳۸۸: ۶۵) اکثر مردم بدون هیچ تردیدی معتقدند همه انسان‌ها حقوق مشخصی دارند و همه معتقدند که زندگی تمام انسان‌ها از ارزش مساوی برخوردار است. همه ما کسانی را که معتقدند زندگی فردی از نژاد یا ملیتی دیگر ارزش کمتری نسبت به زندگی فردی از نژاد یا ملیت خودشان دارد محکوم می‌کنیم، متوجه این نکته می‌شویم که تا چه اندازه مفهوم «جهان واحد» را می‌توان یا باید معیاری اخلاقی تلقی کرد که از حد دولت ملی فراتر رود. (همان: ۲۱۶)

3. Cosmopolitanism
4. Citizenship
5. John Locke

سیاره واحدی هستیم. همه ما به نحو بی سابقه‌ای شهروندان جهانی واحدیم و به همان نسبت برای حل مشکلات جهان به اقدامات هماهنگ بین‌المللی نیازمندیم. (سینگر، ۱۳۸۸، ۵۵)

مفهوم رواداری

رواداری^۸ یکی از «مهم‌ترین ارزش‌های بنیادی اخلاقی و سیاسی مطلوب است و امروزه در مطالبات سیاسی و حقوق بشری جایگاه والایی دارد... رواداری مظهر نوعی اخلاق عملی روزمره است که نخستین اصل آن انجام وظیفه انسان در نگه داشتن حرمت دیگری از هر حیث است». (اسلامی، ۱۳۹۲: ۷۲)

لوهاور^۹ (۲۰۱۱) - آکی کوریسماکي^{۱۰}

لوهاور (بندر لوهاور) فیلمی در ژانر درام و کمدی به کارگردانی آکی کوریسماکي است که در سال ۲۰۱۱ منتشر شد. این فیلم روایت یک پیرمرد واکسی است که تلاش می‌کند همراه با همسایگانش یک پسر بچه که مهاجر غیرقانونی از آفریقا است را از دست پلیس نجات دهد.

مساله مهاجرت غیر قانونی مسلماً موضوع جدیدی برای سینمای جهان نیست، اما به ندرت می‌توان این حجم از انسانیت، خوش‌قلبی و شوخ‌طبعی را در فیلم مشابهی دید. (سایت indiewire) داستان لوهاور در دنیایی اتفاق می‌افتد که بی‌رحم و بدون احساسات است. اما زمانی که شما به تلاش بی‌پایانی که مارسل برای یافتن پدر ادریس انجام می‌دهد و در کمپ پناهندگان به دنبال او می‌گردد تا بتواند پسرش را به مادر که در انگلستان زندگی می‌کند برساند، می‌اندیشید به این نتیجه می‌رسید که هنوز کورسویی از امید باقی مانده است. (سایت راجر ایبرت). در اینجا مساله «تعدد مکانی» مطرح می‌شود و اینکه چگونه جهان‌وطن بودن تأثیر واقعی بر ما به عنوان شهروند خواهد داشت. این تعدد مکانی در سینمای جهان‌وطنی به وضوح در فیلم لوهاور کوریسماکي دیده می‌شود (Mulvey, 11).

آبادورای به خوبی اشاره کرده است که اقلیت‌ها در یک دنیای در حال جهانی شدن همواره وجود نقص در خلوص واقعی را یادآور می‌شوند. (جونز، ۱۳۹۶: ۲۵۶) ضمناً اصطلاح آبادورای «جهانی شدن مردم» یا «جهانی شدن از پایین» را به ذهن متبادر می‌کند که توضیح می‌دهد چگونه اقلیت‌ها و گروه‌های حاشیه‌ای از امکانات تازه‌ای که به واسطه جهانی شدن در دسترسشان

جامعه چند فرهنگی

چندگانگی فرهنگی یا چندفرهنگی‌گرایی^۶ یک نوع ایدئولوژی است که بر مبنای آن انسان‌هایی که در یک مکان (مثلاً یک کشور) با هم زندگی می‌کنند فارغ از قومیت و نژاد حقوق شهروندی برابر دارند. یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری جامعه چندفرهنگی مهاجرت است. انسان‌ها با زبان‌ها، سنت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت و ادیان مختلف در نتیجه مهاجرت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در جوامع چندفرهنگی می‌دانند، مهاجرین با دو وضعیت واقعی روبرو هستند: الف) به رسمیت شناختن حق زندگی برای آنان و تداوم فرهنگ‌های خودشان؛ ب) تسری برخی از جنبه‌های برابر به آنان با حفظ هویت فرهنگی‌شان. ایده‌ال یک جامعه چند فرهنگی تساوی طلب به صورت تجربی هیچ‌گاه به طور کامل تحقق نیافته است. با این همه، دستیابی به این ایده‌ال سیاسی مهم تلقی می‌شود و چارچوب ایدئولوژیکی را به دست می‌دهد که گروه‌های اقلیت می‌توانند برای تطابق زندگی در یک دولت ملی دیگر، از آن استفاده کنند. (رکس، ۱۳۸۰: ۱۷۸)

صلح پایدار کانت

امانوئل کانت^۷ به جامعه‌ای جهانی می‌اندیشد، متشکل از افراد آزاد. «وجه مشترک این دو، توجه بنیادی به منزلت فرد بود با این تفاوت که اخلاق کانتی، افقی نمی‌شناخت مگر افق جهانی نوع بشر.» و در این باره با گوته رمانتیک هم‌دل بود: «سرزمین آبا و اجدادی انسانی که بدون تعصب می‌اندیشد و می‌تواند از مرزهای زمانه‌اش بگذرد، هیچ‌جا نیست و همه جا هست.» اما کو این انسانی که بدون تعصب می‌اندیشد؟ او تا کجا می‌تواند از مرزهای زمانه‌اش بگذرد؟ (کریگ کلهون، ۲۷۶)

شهروند جهانی

جهان به گونه‌ای روزافزون در شرف تبدیل به واحدی به هم پیوسته است، زیرا هیچ کشوری «هرچقدر هم که قدرتمند باشد در مقابل نیروهایی منبعث از نقاط گوناگون زمین مصون نیست» (سینگر، ۱۳۸۸: ۲۵) مثلاً پدیده تروریسم دنیای ما را به گونه‌ای جدید و ترسناک به جامعه‌ای یکپارچه بدل کرده است. نه تنها فعالیت‌های همسایگان‌مان، بلکه فعالیت‌های ساکنان دورافتاده‌ترین دره‌ها و دورترین کشورهای این کره خاکی هم به ما مربوط شده است. (همان، ۳۸) می‌توان گفت ما همه ساکنان

8. Tolerance

9. Le Havre

10. Aki Kaurismaki

6. Multiculturalism

7. Immanuel Kant

خصوصاً هانا آرت و کانت، یک ساختار منطقی را از پشت تصویر جهان‌وطنی بیرون می‌کشد و آن را مورد پرسش قرار می‌دهد. او در بطن مفهوم جهان‌وطنی، ضرورتی دوگانه یا متناقض را قرار می‌دهد: از طرفی مهمان‌نوازی نامشروطی وجود دارد که باید حق پناهندگی را به همه مهاجرین و تازه‌واردان بدهد. اما از طرف دیگر، مهمان‌نوازی باید مشروط باشد: تمام مشکلات سیاسی مهاجرت، مذاکره بین این دو ضرورت است. (همان، ۱۶)

کد مجهول^{۱۱}: قصه‌های ناتمام چند سفر (۲۰۰۰) - میسائیل هانکه^{۱۲}

کد مجهول: قصه‌های ناتمام چند سفر فیلمی است به کارگردانی میسائیل هانکه، که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد. این قصه‌ها به شیوه‌ای مشابه با فیلم ۷۱ جزء/از روز شمار یک شانس، داستان‌های موازی را روایت می‌کند که ظاهراً به یکدیگر بی‌ارتباطند تا این که یک رویداد همه داستان‌ها را به هم پیوند می‌دهد. آن (با بازی ژولیت بینوش) یک هنرپیشه فرانسوی است که سعی دارد جای خود را در سینما باز کند، دوستش، ژرژ، خبرنگار جنگ است و به‌ندرت در فرانسه به سر می‌برد. پدر ژرژ مزرعه‌دار است و برادر کوچکش، ژان، علاقه‌ای به کار مزرعه ندارد. ماریا، زنی رومانیایی‌ست. او پولی را که از راه‌گدایی به دست می‌آورد برای خانواده‌اش در رومانی می‌فرستد. آما دو، معلم موسیقی ناشنویان است. پدر آفریقایی‌الاصل آما دو راننده تاکسی‌ست. آما دو خواهر کوچک‌تری هم دارد که ناشنواست و به همین دلیل آما دو شغل معلمی ناشنویان را انتخاب کرده است. این داستان‌ها جایی به یکدیگر گره می‌خورند که ژان (برادر شوهر آن) کاغذی را به سمت ماریا که کنار خیابان مشغول گدایی است پرت می‌کند. آماندو در دفاع از زن با ژان درگیر می‌شود. این درگیری پیامدهایی برای همه شخصیت‌های داستان دارد. ماتیس فری درباره‌ی حس‌وحال و فضای کلی نخستین فیلم هانکه مقاله‌ای نوشته و اصطلاح هیچ - کجا (نامکان) را به کار برده است. این اصطلاح در مورد مکان‌هایی در زندگی امروز استفاده می‌شود که در آنها زندگی نمی‌کنیم اما نقش مهمی در حیات اجتماعی ما دارند، مانند هتل، بانک، ورزشگاه، مترو، و مانند آن. این نامکان‌ها نقش مهمی در پی‌ریزی و شکل‌دهی به هویت ما دارند؛ به این معنا که همه «اطلاعات، تاریخ و ... تبدیل به اعدادی می‌شوند که هویت افراد را شکل می‌دهد». (غلامی، ۱۳۹۲: ۲۶)

قرار گرفته استفاده می‌کنند تا هویت‌های جدیدی شکل دهند و ائتلاف‌های جدیدی برای مقاومت در برابر گفتمان‌های حاکم، که به طور نظام مند آنان را از موقعیت برابر در جامعه محروم می‌سازند ایجاد کنند. (اسفندیاری، ۱۳۹۶: ۱۷۲) اما با وجود تلاش‌هایی که آنها انجام می‌دهند در دنیای معاصر و آنطور که در فیلم نشان می‌دهد موفق عمل نمی‌کنند. مهاجرت گسترده و پناهجویان غیرقانونی، همانطور که در فیلم می‌بینیم در سخت‌ترین شرایط برای مهاجرت و به دنبال مکانی بهتر برای یافتن شغل و زندگی بهتر تلاش می‌کنند اما در نهایت با شکست مواجه می‌شوند و حتی اگر موفق به رفتن به کشور دیگری بعد از تحمل مشقات زیادی بشوند همچنان هیچ امیدیه آینده روشن و قطعی برای آنها وجود ندارد.

در اینجا مفهوم واقعی حق جهان‌شهری را در لوهاور کوریسماسکی شاهد هستیم. مارسل و همسایگانش برخلاف آنچه دولت و پلیس و حتی کارگاهی که برای دستگیری ادریس استخدام شده است، همگی معتقدند که ادریس (تمام انسان‌هایی که به دنبال زندگی بهتر هستند و بیش از این که با ما تفاوت داشته باشند شبیه به ما هستند چرا که همگی انسان هستیم) حق زندگی کردن دارد و همه آنها دست به دست هم داده و با بخشایش و پذیرش به او در رسیدن به مقصود کمک می‌کنند.

بخشایش و مسئله مهاجرت و پناهندگی، مسئله‌ای است که امروزه بیش از پیش خود را در عرصه جهانی تحمیل می‌کند. وضعیتی که با رسانه‌ای شدن، شاهد ابعاد خوفناک آن هستیم. با حوادثی نظیر کشته شدن وسیع مهاجران و پناهجویان که غالباً به خاطر جنگ و فقر از کشور خود راهی سرزمینی امن می‌شوند یا کشتارهای صنعتی و نظام‌مند که جملگی بازنمودی از آشویتس هستند، بی‌هیچ تردیدی، تأمل در بخشایش و پناهجویی را در دستور کار فلسفه و کنش‌گران اجتماعی قرار داده است. سوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان از مهمان‌پذیری شهرها سخن راند؟ (دریدا، ۱۳۹۸: یادداشت) دریدا در سال ۱۹۹۶ در پارلمان بین‌المللی نویسندگان که موضوع آن حقوق جهانی پناهجویان، پناهندگان و مهاجرین بود مجدداً به مساله همیشگی «شهرهای آزاد» یا «شهرهای پناهندگی» برمیگردد که مهاجرین چنین پناهگاه‌هایی را جستجو می‌کنند تا از فشار آزار و اذیت، تهدید و ارباب و تبعید خلاصی یابند. این سخنرانی با عنوان اصلی «جهان وطنان کشورها، تلاشی دوباره» منتشر شد. (دریدا، ۱۳۹۸: ۱۵) دریدا با کمک شماری از متفکران

11. Code Unknown
12. Michael Haneke

آبادورای به ویژه می گوید: این قطعیت که آدمهای متمایز و استثنایی در قلمروهای مشخصی به وجود می آیند و آن قلمروها را کنترل می کنند به طور مسلم به وسیله سیلان ثروت، تسلیحات، مردم و تصاویر متزلزل می شود. او معتقد است جهانی شدن این عدم قطعیتها را می افزاید و «پاکسازی فرهنگی» را رقم می زند و موجب بروز خشونت در دنیای امروز می شود. آنچه خشونت گستره را دامن می زند نه هویت های متضاد و متباین بلکه ایجادکننده «توهم هویت های ثابت شده» است. از این روی، جهانی شدن به گسترش خشونت می انجامد، به این دلیل که میان دو چیر برخوردار می آفریند: بی قطعیتی آنچه آبادورای «ناتمامی» می نامد. منظور از آن شیوه ای است که «برخی از اقلیتها - تعداد اندک» آنها اختلاف اندکی را که میان شرایط آنان به عنوان اکثریت، و افق تمامیت ملی دست نخورده وجود دارد، به اکثریتها یاد آور می شوند. نگرانی از نا تمامی و ناقص بودن می تواند منجر به شکل عنان گسیخته ای از تحریک متقابل شود که راهی به سوی نسل کشی است. (همان) شاید این توضیحات ما را به یاد صحنه ای بیاندازد که آن در اتوبوس نشسته و دو پسر که به نظر مهاجر می آیند بی دلیل شروع به آزار و اذیت او می کنند. جهانی شدن معاصر موجب تشدید امکان شکل بندی ناپایدار می شود به طوری که اصیل بودن که خواسته همه هویتها و مورد پذیرش آنهاست همواره به وسیله شباهت انتزاعی مقوله های اکثریت و اقلیت تهدید می شود. اقلیتها در یک دنیای در حال جهانی شدن همواره وجود نقص در خلوص واقعی را یادآور می شوند. (جونز، ۱۳۹۶: ۲۵۶) با توجه به آرا و نظرات آبادورای در باب جهانی شدن توده مردم و جهانی شدن خشونت که با مهاجرت، پناهندگی و ... آدمها از اقصی نقاط جهان شکل می گیرد شایسته است از دید دریدا و کانت نیز این مساله بررسی کنیم و درباره جهان وطنی و بخشایش صحبت کنیم. مباحثی که در این فیلم هانکه جای خالی شان احساس می شود.

تصور جهان وطنی از کجا به ما رسیده است؟ این مساله اساساً بسیار شبیه یک سیاست جهانی است. در کل فرد خواه خارجی باشد، مهاجر، تبعیدی، اخراجی، بدون ملیت، خواه آواره، ما خواهان این شهرهای پناهندگی نوین هستیم تا سیاست دولتها را از نو جهت دهد. بافتی را که در آن، این اخلاق نوین یا این سیاست جهانی نوین شهرهای پناهندگی را مطرح کرده ایم چیست؟ آیا باید خشونت را که بر سراسر جهان بیداد می کند، خاطر نشان کرد؟ آیا هنوز هم ضروری است بر این واقعیت

نمایش خشونت از مسایلی است که هانکه در این فیلم به آن می پردازد. البته به گفته وی، نمایش خشونت مسئله اصلی نیست، چون دنیای امروز آکنده از خشونت است. مسئله اصلی چگونگی نمایش خشونت (یعنی وارد ساختن درد و آسیب به دیگران) است. به گفته هانکه «همواره در آثارم تلاش کرده ام تا خشونت را در معنای واقعی آن تحقق بخشم. زجر و آسیب به دیگری.» (مهدی زاده، ۱۳۹۲: ۱۱)

در اینجا می توان به جدیدترین نوشته آبادورای اشاره کرد که مربوط به جهانی شدن خشونت است. آبادورای در کتاب *ترس از تعداد اندک*، می گوید چگونه جهانی شدن موجب پدیده ای شده است که او آن را «خودشیفتگی تفاوت های جزئی» می نامد. آبادورای استدلال می کند که خشم فزاینده به اقلیتها از طریق یک فرایند خودشیفتگی در ملی گرایی بیان می شود که به موجب آن اکثریتها را می توان آماده کرد تا باور کنند که در معرض خطر اقلیت شدن قرار دارند و وحشت کنند از این که اقلیتها می توانند اکثریت شوند. (همان، ۲۵۶) این درست همان رفتار خشونت آمیز ژان با ماریا زن رومانیایی است که غیرقانونی در فرانسه مشغول گدایی است. شاید باید اینجا در مورد مفهوم این که این اقلیتها ممکن است اکثریت شوند تمرکز شود. آماندو که خود نیز ظاهراً متعلق به آن جامعه نیست و آفریقایی تبار است با دیدن این صحنه و خشونت که ژان دچار آن می شود دچار دگرگونی شده و خود دچار خشونت دیگری به او می شود.

مفهوم سازی آبادورای از چشم اندازهای رسانه ای و چشم اندازهای انسانی مستقیماً با مطالعه کنونی پیرامون جهانی شدن مربوط است. چشم انداز رسانه ای به هر دو عامل انتشار جهانی فناوری های تولید رسانه ای (از جمله فیلم)، بر خلق «خزانه های بزرگ و پیچیده» از تصاویر و روایتها درباره جهان، می پردازد. از این لحاظ، می توان درباره شیوه هایی که «چشم اندازهای سینمایی» در آفرینش و نمایش تصاویر جهان و تصاویر دیگر ملتها و فرهنگها دخیل اند، تحقیق کرد. مسئله مهاجرت و مفهوم چشم اندازهای انسانی نیز از نظر توجه فزاینده به کار «فیلم سازان ترامپی» که در مکانهای گوناگون اعم از قلمروی ملی و موطن اصلی خود و یا غیر از آن، فیلم می سازند مطرح است. با توجه به اینکه در برخی از نظریه های جهانی شدن (مانند مباحث آبادورای و تاملینسون) شاهد توجه بیشتر به جنبه های مثبت جهانی شدن (مثل پیوند خط فاصله ترکیب فرهنگی، جهان شهری و جهانی شدن مردمی) معطوف می شود، هستیم. (اسفندیاری، ۱۳۹۶: ۶۵)

جنبه‌های مهم این تفکر به بررسی مفاهیم دیگری چون شهروند جهانی، صلح پایدار و رواداری، مهاجرت، خشونت و بخشایش که زمینه ساز ایجاد مفهوم جهان‌وطنی هستند پرداخته شد. برای تحلیل این موضوع پس از بررسی مفاهیم و تاریخچه این اندیشه، ابتدا از دریچه صلح ابدی و مقاله تاریخ جهانشمول در غایت جهان‌وطنی کانت با مقوله جنگ و صلح از دید کانت پرداخته و به بررسی آرمان جهان‌وطنی و مفهوم شهروند جهانی کردیم. در ادامه بر اساس آراء آرجون آپادورای جریان‌های جهانی را بررسی شد و در آخر با نگاهی به کتاب جهان‌وطنی و بخشایش ژاک دریدا، با مفهوم صلح، ارزشمندی حرمت انسانی و بخشایش آشنا می‌شویم. در ادامه جهت روشن‌تر شدن این رویکرد فیلم‌های *لوهاور و کد مجهول* از آثار مهمی که حاوی جنبه‌های جدی درک مفهوم جهان‌وطنی هستند، با توجه به دیدگاه‌های ذکر شده تحلیل شدند.

در فیلم *لوهاور کوریسماک* با توجه به نظریات آپادورای به بررسی اقلیت‌ها در دنیای جهانی شده پرداختیم. همچنین اصطلاح آپادورای در خصوص، «جهانی شدن مردم» یا «جهانی شدن از پایین» را توضیح دادیم که مفهوم مهمی در *لوهاور کوریسماک* است. در ادامه درباره نظریات جهان‌وطنی و شهروند جهانی صحبت کردیم و به حق جهان شهری کانت اشاره و رویکر آن را در فیلم بررسی شد. بخشایش و مسئله مهاجرت و پناهندگی دریدا از دیگر نکاتی است که در این فیلم به آن اشاره شد.

در *کد مجهول* هانکه به مساله خشونت پرداختیم و رویکرد آپادورای در باب جهانی شدن خشونت را بررسی کردیم. خشونت و آسیبی که در بخش‌های مختلف فیلم شاهد آن هستیم. اقلیت و اکثریتی که مورد خشونت واقع شده و یا دست به خشونت می‌زند. در ادامه ایده جهان‌وطنی و شهرهای پناهندگی کانت مطرح شد.

باید یادآور شد که در چند دهه گذشته وضعیت بحرانی دنیا با وجود جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای متعدد، ساخت سلاح‌های مرگبار و پیشرفته، عقب ماندگی، فقر، قحطی، وقوع بلایای طبیعی، مشکلات محیط زیستی و پدیده دهشتناک تروریسم منجر به مهاجرت و پناهندگی انسان‌ها در سطح گسترده برای یافتن مامن امنی برای زندگی شده است. در اهمیت پژوهش حاضر و طرح پرسش اینچنین می‌توان گفت که سینما می‌تواند به عنوان یک رسانه قدرتمند برای آموزش و خودآگاهی انسان‌ها عمل کرده تا جرات اندیشیدن پیدا کرده و از عقلانیت خویش

تأکید کنم که چنین جنایت‌هایی گاه امضای سازمان‌های دولتی یا سازمان‌های غیردولتی را در پای خود دارند؟ آیا امکان‌پذیر است تعداد ارباب، اعمال سانسور یا تروریسم، شکنجه و اذیت و آزار و بردگی را در همه وجوه آن برشماریم؟ (دریدا، ۱۳۹۸: ۲۵ و ۲۶)

ما هنوز راه طولانی برای رسیدن به ایده جهان‌وطنی پیش رو داریم. ایده‌ای که کانت در مقاله مشهور خود یعنی حق مهمان‌نوازی جهانشمول و کلی، محدودیت‌ها و موانعش تبیین کرده است. (دریدا، ۱۳۹۸: ۳۱) کانت بدون تردید در رساله معروفش، مقاله روشننگر نظر به صلح پایدار موشکافانه‌ترین صورت‌بندی فلسفی را ارائه داده است: قانون جهان‌وطنی باید به شرایط مهمان‌نوازی کلی و جهانشمول محدود شود. وقتی کانت در روح متفکران دوره روشننگری که مایه الهام ماست، قانون جهان‌وطنی را صورت‌بندی می‌کرد، صرفاً آن را محدود به «شرایط مهمان‌نوازی جهانی» نکرد. او دو محدودیت را برای آن قائل شد که بدون شک جایگاه یک تامل و یا شاید دگرگونی یا پیشرفت را تعیین می‌کنند. (دریدا: ۱۳۹۸: ۴۲) بنابراین تجربه ما از شهرهای پناهندگی نه مسکوت خواهد ماند و نه می‌تواند مسکوت بماند بلکه به پاسخ و واکنش فوری نیازمند است، واکنش بجا و درست، بسیار درست‌تر از قانون موجود. واکنشی بلادرنگ به جنایت، خشونت و آزار و اذیت. هم‌چنین به نظر من تجربه شهرهای پناهندگی، جایی برای تامل است. تامل درباره مسائل پناهندگی و مهمان‌نوازی، برای قانونی تازه و دموکراسی‌ای که می‌آید تا مورد آزمون قرار بگیرند. بر آستانه این شهرها، شهرهایی که به غیر از «شهرهای نوین» هستند، ایده‌ای از جهان‌وطنی، یک دیگری، هنوز وارد نشده است و اگر وارد شده است در آن صورت شاید هنوز کسی آن را باز نشناخته است. (همان، ۴۵)

نتیجه‌گیری

دو پرسش اساسی مطرح شد:

۱. اندیشه جهان‌وطنی چه تأثیراتی بر روی فیلم‌های *لوهاور و کد مجهول* گذاشته است؟
 ۲. میزان تأثیر و ارتباط مفاهیمی چون هویت، مهاجرت، پناهندگی، خشونت، بخشندگی، صلح و رواداری با اندیشه جهان‌وطنی و تأثیر آن بر فیلم‌ها چیست؟
- برای پاسخ به این دو پرسش، ابتدا مفاهیم اساسی اندیشه جهان‌وطنی به صورت گذرا بررسی شد. سپس با تکیه بر

زیرا تمرکز بر مطالعات میان رشته‌ای، دستاوردهای مهمی برای فهم ظرفیت سینما در زمینه‌های توسعه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهای جهان خواهد داشت.

استفاده و بصیرت لازم را نسبت به خود و جهان پیدا کنند و به روشنگری و صلح دست یابند. داشتن آگاهی لازم از ظرفیت سینما و تمرکز بر موضوعاتی اینچنین امری لازم به نظر می‌رسد،

منابع

- اسفندیاری، شهاب (۱۳۹۶). *سینمای ملی و جهانی شدن*. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: انتشارات سروش
- اسلامی، رضا. گل پور، سهیلا (۱۳۹۲). رواداری (تلورانس) در نظام بین‌المللی حقوق بشر. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۲
- جونز، اندرو (۱۳۹۶). *نظریه پردازان بزرگ جهانی شدن*. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: نشر چشمه
- دریدا، ژاک (۱۳۹۸). *جهان‌وطنی و بخشایش*. ترجمه امیر هوشنگ افتخاری. تهران: نشر گام نو
- رکس، جان (۱۳۸۰). اقلیت‌های قومی و دولت ملی، جامعه‌شناسی سیاسی جوامع چند فرهنگی. ترجمه محمد سعید ذکایی. مجله مطالعات ملی. شماره ۸
- سینگر، پیتر (۱۳۸۸). *یک جهان اخلاق جهانی شدن*. ترجمه محمد آزاده. تهران: نشر نی
- غلامی، سجاد (۱۳۹۲). زیبایی‌شناسی فضای خارج از قاب و صدا در سینمای میشل هانکه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: محمد شهبان. دانشگاه هنر تهران. دانشکده سینما تاتر
- کلهون، کریگ (۱۳۹۵). *ملت‌ها مهم‌اند (فرهنگ تاریخ و رویای جهان‌وطنی)*. ترجمه محمد رضا فدایی. تهران: نشر شیرازه
- Mulvey J, Rascaroli L, Saldanha H. (2017). For a Cosmopolitan cinema. *Alphaville: Journal of Film and Screen Media*, issue14, 1-15.
<https://www.indiewire.com/>